

ابهام در جرم‌انگاری بغی

محسن پورمحمدی، *سیدحسین حسینی** و مجید شایگان‌فرد***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۶	شماره صفحه: ۱۶۳-۱۹۳
-------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

یکی از مهمترین اصول قانون‌نویسی در حقوق کیفری، نگارش متن قوانین به صورت صریح و بدون ابهام است. قانونگذار در نظام حقوقی ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ در مواد (۲۸۷ و ۲۸۸) قانون مجازات اسلامی به جرم‌انگاری بغی پرداخت و با استفاده از عباراتی مبهم، دوپهلوی و گاهی کلی، علاوه بر ایجاد زمینه تشکیک آرای محاکم و سرگردانی سیاست جنایی قضایی موجب شد در مواردی به اصول کلی حقوق کیفری نیز خدشه وارد شود. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده در پی یافتن این پاسخ است که ابهامات در مواد مربوط به جرم‌انگاری بغی کدام‌اند و چگونه می‌توان آنها را رفع کرد؟ براساس نتایج و داده‌های به دست آمده، اصلاح و بازنگری در جرم‌انگاری بغی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: بغی؛ جرم‌انگاری؛ گروه باغی؛ قیام مسلحانه



* دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران؛

Email: pormohamadi1404@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: shosseini@um.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران؛

Email: drshayanfard@mshdiau.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2109-4839

مقدمه

هرگاه در تشخیص معنای یک گزاره تردید وجود داشته باشد، با ابهام^۱ مواجه هستیم؛ به عبارت دیگر ابهام هنگامی پدید می‌آید که از یک گزاره قانونی بیش از یک معنا قابل برداشت باشد (صادقی مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) و افرادی از اهل فن معانی متعددی از آن دریافت کنند (امیدی، ۱۳۹۴: ۶۹). ابهام گونه‌های مختلفی دارد؛ با توجه به اینکه گاه ناشی از کاربرد واژه در جمله، گاه ناشی از ساختار جمله و گاهی ناشی از تردید در معنای عبارت است، می‌توان آن را به ابهام واژگانی، ابهام ساختاری و ابهام مفهومی تقسیم کرد.

در جرم‌انگاری جرائم علیه حاکمیت که هدف آن ثبات حکومت و تلاش در جهت استحکام بخشیدن به اصل نظام حاکم است، مهمترین و حساس‌ترین چالش، تقابل میان «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» است (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۵)؛ زیرا زیان‌دیده مستقیم و اولیه آن حکومت است و دولت‌ها در زمینه واکنش نسبت به این جرائم، معمولاً در جهت تضمین حقوق حاکمیت گام برمی‌دارند و احتمال جانب‌داری به نفع خودشان همواره وجود دارد؛ از این‌رو نیاز است که جهت تضمین حقوق حاکمیت و حقوق شهروندی و همچنین بقای نظام حاکم بر جامعه، نگارش این‌گونه قوانین بدون هرگونه ابهام انجام شود.

در نظام حقوقی ایران، قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ در مواد (۲۸۷ و ۲۸۸) قانون مجازات اسلامی به جرم‌انگاری بغی پرداخته است. این اقدام قانونگذار،

۱. به نظر می‌رسد «اجمال» در یکی از معانی خود که همان «چندمعنایی» باشد با «ابهام» هم معناست (در معنای دیگر اجمال در برابر تفصیل به کار می‌رود) (قیاسی، ۱۳۹۸: ۳۳؛ امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۱۵). همچنین براساس نظر آخوند خراسانی در کتاب کفایه‌الاصول: «و الظاهر: أن المراد من المبیّن فی موارد إطلاقه: الکلام الّذی له ظاهر، ویکون بحسب متفاهم العرف غالباً لخصوص معنی؛ والمجمل بخلافه» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۵۲) مجمل آن است که از عرفاً برای یک معنای خاص به کار برده نمی‌شود. صاحب اصول مظفر در خصوص معنی مجمل بیان داشته است: «آنچه ما لم تتضح دلالت» مجمل چیزی است که دلالتش واضح و ظاهر نباشد (مظفر، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

هرچند ممکن است در جدا کردن جرم بغی از محاربه و فساد فی‌الارض، رویکرد مثبت و جدیدی را تداعی کند و می‌توانست گامی رو به جلو در جهت ثبات حاکمیت نظام جمهوری اسلامی برداشته باشد؛ اما با استفاده از عباراتی مبهم، دوپهلوی و گاهی کلی، زمینه تشکیک آرای محاکم و سرگردانی سیاست‌جنایی قضایی کشور را به وجود آورد. همچنین موجب شد در مواردی اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد. با اینکه ابهام موضوع تفسیر است؛ اما کانون بحث در تفسیر، رفع ابهام است (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۸) و کمتر به شناخت ابهام توجه می‌شود. بر این اساس شناخت تفصیلی نسبت به ابهام می‌تواند زمینه را برای زدودن آگاهانه‌تر آن فراهم کند؛ از این‌رو نیاز است که ابهامات مواد (۲۸۷ و ۲۸۸) قانون مجازات اسلامی مورد بازخوانی قرار گیرد. هدف از پژوهش حاضر استفاده از نتایج و داده‌های به دست آمده در اصلاح و بازنگری قانون مجازات اسلامی است.

ساختار مقاله حاضر در چهار مبحث تدوین شده است؛ در مبحث اول، اختلاف فقهی و قانونی بغی و همچنین بی‌توجهی مقنن به اصول قانون‌نویسی، به عنوان دو عامل زمینه‌ساز ایجاد ابهام در جرم‌انگاری بغی را بررسی می‌کند و در سه مبحث بعدی «گروهی بودن»، «اساس نظام» و «قیام مسلحانه» را در قالب ابهام‌واژگانی، «محکومیت به اعدام تمام اعضای گروه باغی یا فقط اعضایی که دست به سلاح برده‌اند» را در قالب ابهام ساختاری و در نهایت بررسی عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» را در قالب ابهام مفهومی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱. عوامل زمینه‌ساز در شکل‌گیری ابهام

عوامل مختلفی می‌توانند زمینه ابهام در هر گزاره‌ای را فراهم کنند و علت شکل‌گیری ابهام باشند. از این‌رو بغی در فقه و قانون و همچنین اصول قانون‌نویسی را به عنوان دو عامل زمینه‌ساز ابهام در جرم‌انگاری بغی مطرح و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. بغی در فقه و قانون

بغی در اصلاح فقهی عنوانی است که فقها احکام آن را در بحث جهاد مطرح کرده‌اند (نجفی، ۱۴۲۱: ۳۲۴؛ حلی، ۱۴۲۰: ۲۲۹؛ بن‌سعید، ۱۳۶۵: ۳۶۲) و هیچ‌یک از فقها بغی را به عنوان جرم مستوجب حد در کتاب حدود بیان نکرده (زراعت، ۱۳۹۴: ۴۴۲) و آن را خارج از بحث حد دانسته‌اند (ابوالفضل چهره‌ای، ۱۳۹۹: ۲۳۸). بعضی از فقها نیز بغی را در ردیف جرائم تعزیر آورده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۷۶) در صورتی که بغی در اصطلاح قانونی جرمی حدی است که قانونگذار آن را در کتاب حدود آورده و آنچه به عنوان حد بغی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح شده است در متون فقهی سابقه‌ای ندارد (میرخلیلی، کلانتری خلیل آباد و نظری ندوشن، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

حدی دانستن بغی توسط قانونگذار و تعیین کیفر اعدام برای آن که مستلزم رسیدگی به موضوع در محکمه و طی فرایند قضایی است. در حقوق اسلامی غیرمعهود و آنچه در حقوق اسلامی به عنوان «جهاد با باغیان» مطرح شده است، با محاکمه و محکوم کردن فرد به اعدام کاملاً متفاوت است. اگر کسانی که به عنوان بغی با مختصات شرعی، دست به اسلحه برده‌اند، تسلیم شوند و جمع آنها از هم متلاشی شده و خطرشان برای حکومت اسلامی کاهش یابد، به این دلیل به اعدام محکوم شوند، با فقدان مستند شرعی مواجه هستیم؛ بنابراین قانونگذار با پیش‌بینی مجازات اعدام برای جرم بغی نتوانسته است به صورت صحیح، آموزه‌های شریعت در این

خصوصاً را منعکس کند (آقابابایی، ۱۳۹۵: ۲۷) و ماهیت جرم بغی را کاملاً سرگردان ترسیم کرده است (غفاری چراتی و اکبری، ۱۳۹۹: ۲۳۵).

به عبارت دیگر ایرادی که ممکن است به جرم‌انگاری بغی وارد باشد، آن است که در منابع شرعی، جرمی با عنوان حد پیش‌بینی نشده است که اوصاف بغی را داشته و مستوجب اعدام باشد. این اشکال از آن جهت جدی است که جرم مذکور عنوان حدی دارد و حدود در شرع مشخص هستند و نمی‌توان به تعداد آن افزود (زراعت، ۱۳۹۴: ۴۳۰).

بر این اساس به نظر می‌رسد اختلاف بین بغی فقهی و قانونی و همچنین اختلاف در ماهیت بغی در فقه، منتج به برداشتهای متفاوت در شرایط، احکام و مجازات این جرم شده است و همین اختلافات می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ابهام در جرم‌انگاری بغی باشد.^۱

۲-۱. اصول قانون‌نویسی

یکی از اصول مهم در قانون‌نویسی، رعایت قواعد دستور زبان فارسی و خودداری از نگارش پیچیده عبارات و به‌کارگیری لغات و ترکیبات دوپهلوی است؛ قانون باید به شیوه‌ای تنظیم شود که قاضی در مقام صدور حکم منظور قانونگذار را به درستی بفهمد، وکیل در مقام دفاع به درستی از متون قانونی برای اثبات ادعای موکل خود بهره‌برد و طرفین دعوا در برداشت از مفاهیم مطرح شده در قوانین دچار خطا و اشتباه نشوند. به عبارت دیگر دقیقاً مرز حقوق، آزادی و ممنوعیت‌ها تعیین شود، اما قانونگذار در جرم‌انگاری بغی به این مسئله توجه کافی نداشته و از این رو در نگارش جرم بغی چالش‌هایی وجود دارد و شیوه نگارش ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، صحیح نیست (میرخلیلی، کلانتری خلیل‌آباد و نظری

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: سیداحمد میرخلیلی، عباس کلانتری خلیل‌آباد و محمد نظری ندوشن، «چالش‌های میان بغی فقهی و قانونی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹-۱۴۳.

ندوشن، ۱۳۹۵: ۱۵۱). به نظر می‌رسد این مسئله زمینه ایجاد ابهام ساختاری در جرم‌انگاری بغی را فراهم کرده است.

۲. ابهام واژگانی

چنانچه واژه‌ای در جمله‌ای به کار رود که از آن بیش از یک معنا برداشت شود، موجب ابهام در جمله می‌شود و به علت دلالت چندگانه، تعبیر مختلفی را برای آن جمله ایجاد کرده است^۱ (صفوی، ۱۳۹۹: ۲۱۷).

ابهام واژگانی در جرم‌انگاری بغی، از گونه هم‌لفظی (اشتراک لفظی) است. گاهی در یک زبان، میان الفاظ و معانی رابطه یک‌به‌یک برقرار نیست. در این حالت چندمعنا برای لفظ واحد وجود دارد. به‌طور معمول با توجه به بافت جمله، مشخص است که کدام معنا منظور است؛ اما اگر بافت زبانی جمله به‌گونه‌ای نباشد که یکی از آن معانی ظاهر شود، چندمعنایی واژه باعث چندمعنایی جمله می‌شود و در نتیجه ابهام ایجاد می‌شود (امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۹۴). برای تبیین موضوع به ابهام‌های واژگانی در جرم بغی می‌پردازیم.

۲-۱. گروهی بودن

یکی از شرایط، اوضاع و احوال ذکر شده در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی برای تحقق عنصر مادی جرم بغی، «گروهی بودن» است. عنوان گروه شامل جمعی از افرادی است که برای نیل به مقاصد مشترک تلاش و فعالیت می‌کنند و منظور از اعضای گروه یا جمعیت افرادی هستند که با آگاهی از موضع، مرام و هدف به

۱. ابهام واژگانی برحسب اینکه گاهی واژه بیش از یک معنا دارد و یا اینکه ناشی از هم‌معنایی دو واژه و یا ناشی از استفاده نادرست از واژگان مقسم و اقسام آن باشد به ابهام «هم‌لفظی»، ابهام «هم‌معنایی» و ابهام «ناشی از تقسیم» شناخته می‌شود (صادقی مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

گروه پیوسته‌اند و در دفاتر تشکیلات آن ثبت‌نام کرده و معمولاً دارای شماره و کارت عضویت هستند (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۳۵۴). از این‌رو به نظر می‌رسد قانونگذار معیار و ملاکی جهت تشخیص تعداد افراد گروه در این جرم ارائه نداده است.

مقنن در برخی جرائم، تعداد افراد جهت تشکیل گروه را به صورت صریح ذکر کرده است؛ به‌عنوان مثال در ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^۱ و ماده (۱۹) قانون جرائم نیروی‌های مسلح مصوب ۱۳۸۲^۲ افراد تشکیل‌دهنده گروه را «بیش از دو نفر» ذکر کرده است. به‌عبارت‌دیگر برای تحقق این جرائم، وجود سه نفر لازم است و یا در مواد (۶۱۰ و ۶۱۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^۳ قانونگذار وجود «دو نفر یا بیشتر» برای تحقق اجتماع و تبانی را لازم دانسته است؛ اما در جرم بغی از تعداد افراد تشکیل‌دهنده گروه ذکر نشده و از این جهت شرایط تحقق جرم را با ابهام مواجه کرده است.

تعدادی از حقوقدانان در تبیین این ابهام به تبصره «۱» ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تمسک جسته و بیان داشته‌اند که گروه باغی، متشکل از «سه نفر و یا بیشتر» است (شامبیانی، ۱۳۹۸: ۸۴؛ سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۴۷۵). فقها نیز در

۱. ماده (۴۹۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره کند که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود، به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود».

۲. ماده (۱۹) قانون جرائم نیروی‌های مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم می‌شود. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند، در صورتی که محارب شناخته نشوند، به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شوند».

۳. ماده (۶۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی کند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم کند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد، به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد».

ماده (۶۱۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی کنند که علیه اعراس یا نفوس یا اموال مردم اقدام کنند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند؛ ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند، حسب مراتب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد».

این باره گفته‌اند مقصود از اهل بغی که مشمول احکام باغیان می‌شوند کسانی هستند که از قدرتی برخوردارند که قلع و قمع و متفرق کردن آنان نیازمند هزینه کردن اموال و تجهیز نیروی نظامی است؛ ولی اگر تعداد آنها اندک باشد و دارای قدرت نباشند، مشمول حکم اهل بغی نخواهند بود (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۶۸). آیه ۹ سوره حجرات، مهمترین دلیلی است که فقها برای بیان احکام بغی به آن اشاره کرده‌اند. در این آیه لفظ «طائفه» به کار رفته است که از آن گروهی بودن بغی برداشت می‌شود و از آنجاکه لفظ طائفه در این آیه دارای حقیقت شرعی نیست، باید به معنای عرفی آن مراجعه کرد (میرخلیلی، کلانتری خلیل‌آباد و نظری ندوشن، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

وضع قوانین شفاف و بدون ابهام از آثار حاکمیت قانون است و این سبک توصیف قانونی با اصل شفافیت قوانین کیفری مغایرت دارد. به نظر می‌رسد برای تحقق قیام مسلحانه در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران، لازم است افراد متعددی همراه با فعالیت سازمان‌یافته و نظام‌مند وجود داشته باشند و یک گروه سه‌نفره، از لحاظ عملی و عرفی، شأنیت قیام مسلحانه برای براندازی نظام را ندارد و امکان تحقق بغی با دو و یا سه نفر محل اشکال است. همچنین در فقه نیز گروه باغی را گروهی همراه با قدرت و شوکت ذکر کرده‌اند. بنابراین نیاز است قانونگذار برای رفع ابهام، تعداد اعضای تشکیل‌دهنده گروه باغی را مشخص کند.

۲-۲. اساس نظام

قانونگذار درباره برخی از رفتارهای مجرمانه، قائل به وصف خاصی می‌شود که تشخیص دقیق معنای آن اهمیت بسزایی دارد. با مذاقه در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی عبارت «در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی» در متن ماده قانونی ذکر شده، اما قانونگذار تعریفی از واژه مبهم «اساس نظام» ارائه نکرده است و از این رو معنای این واژه نیاز به بازخوانی دارد.

در خصوص «اساس نظام» برداشت‌های مختلفی می‌توان داشت: برداشت اول آن است که منظور از اساس نظام را ولایت فقیه بدانیم (عظیم‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۹۶). در این تعریف مشخص نشده که منظور شخص ولی فقیه است یا جایگاه ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی. به عبارت دیگر این ابهام وجود دارد که قیام مسلحانه علیه شخص ولی فقیه بغی محسوب می‌شود و یا ولایت فقیه به معنای جایگاه حکومتی آن مورد نظر است. در تبیین این نظر گفته شده است: «قانونگذار در ماده (۲۸۷)، به جای استفاده از قید «قیام علیه امام» یا «قیام علیه حاکم عادل» که در متون فقهی به آن اشاره شده است، از قیام علیه «اساس نظام جمهوری اسلامی ایران» سخن می‌گوید. این عبارت قانونگذار با مبانی فقهی بغی سازگاری ندارد. به موجب اصل (۵) قانون اساسی، در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، امامت امت برعهده فقیه عادل است و او را عالی‌ترین مقام رسمی کشور به حساب آورده است؛ بنابراین بهتر بود قانونگذار هماهنگ با نظر فقها و اصول قانون اساسی، به جای عبارت مبهم قیام مسلحانه علیه اساس نظام، عبارت قیام مسلحانه علیه «ولی فقیه» یا «رهبر جمهوری اسلامی ایران» را به کار می‌برد. در این صورت ولی فقیه در این ماده منطبق بر حاکم عادل غیرمعصوم می‌شود که به موجب قرآن و دلیل عقل می‌تواند به مقابله با گروه باغی بپردازد» (میرخلیلی، کلانتری خلیل‌آباد و نظری ندوشن، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

برداشت دوم آن است که منظور از قیام علیه «اساس نظام»، قیام علیه ارکان نظام جمهوری اسلامی است و هدف گروه براندازی نظام یا همان نظام سیاسی حاکم است. به این ترتیب اگر گروهی علیه دولت یا سازمان‌های دولتی نظیر سازمان تأمین اجتماعی و شهرداری اقدام کنند، مشمول حکم ماده (۲۸۷) قرار نمی‌گیرند و در هر مورد برای تشخیص موضوع، به هدف گروه توجه می‌شود و گستردگی عمل مرتکبین، احتمال براندازی و یا عدم براندازی مورد نظر قرار نمی‌گیرد (الهی‌منش و

مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶: ۸۲). به عبارت دیگر مقنن با آوردن واژه «اساس» قبل از نظام تأکید می‌کند که آنچه در این ماده مورد حمایت کیفری قرار گرفته، خود نظام جمهوری اسلامی است. به این ترتیب اقدام مسلحانه مردم علیه کارگزاری، که او را نالایق می‌دانند، بغی به شمار نمی‌آید (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

همان‌طور که از برداشته‌های فوق مشهود است، در خصوص مفهوم «اساس نظام» ابهام وجود دارد و با توجه به مجازات سنگین اعدام برای مرتکبین و جلوگیری از تشتت آرا و سرگردانی سیاست جنایی قضایی در این خصوص، ضرورت دارد قانونگذار تعریف صریحی از این عبارت ارائه کند. به نظر می‌رسد ملاک تشخیص قیام علیه «اساس نظام»، هدف مرتکبین (گروه مجرمانه) است و در صورتی که این افراد قصد براندازی نظام را داشته باشند، هرگونه قیام مسلحانه مصداق جرم بغی به حساب می‌آید.^۱

موضوع دیگری که مورد مناقشه حقوقدانان قرار گرفته این است که مفهوم اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، دربرگیرنده «تمامیت ارضی» است یا خیر؟ به نظر می‌رسد این ابهام در عبارت فوق نیز وجود دارد. به عنوان مثال در صورتی که گروهی سازمان‌یافته و متشکل از پنج نفر در یکی از شهرهای مرزی کشور قیام مسلحانه کنند و با استفاده از سلاح درصدد جدا کردن آن شهر از خاک جمهوری اسلامی باشند و در هنگام دستگیری اظهار کنند که ما قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران را نداریم، اما شهر مورد نظر به دلیل وضعیت خاص فرهنگی و قومیتی باید از کشور ایران جدا شود، آیا این افراد را می‌توانیم به‌عنوان گروه باغی مجازات کنیم؟^۲

از آنجا که تصرف ارضی یک کشور به معنای اقدام علیه اساس نظام نیست، برای

۱. به عنوان مثال قیام و حمله مسلحانه افرادی به رژه نیروهای مسلح در اهواز در شهریورماه سال ۱۳۹۷ با قصد مقابله با نظام جمهوری، مصداق بارز جرم بغی است، درحالی‌که در مقابله با رژه نیروهای مسلح، مقابله با ولی فقیه یا قیام علیه ارکان نظام مشهود نیست.

۲. به عنوان مثال گروه‌های تجزیه‌طلب در استان خوزستان.

رفع این ابهام واژگان «تمامیت ارضی» به عبارت «در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی» اضافه شود.

ممکن است این ایراد وارد شود که بغی، حد است و برای تغییر در عناصر جرم به بررسی فقهی و تأیید شارع نیاز دارد؛ اما علاوه بر اینکه در اصل تعزیری یا حدی بودن بغی بین فقها اختلاف نظر است (ابوالفضل چهره‌ای، ۱۳۹۹: ۲۴۸). به نظر می‌رسد با توجه به هدف جرم‌انگاری بغی که حفظ و استحکام نظام حاکم بر جامعه است، اضافه کردن عبارت فوق تعارضی با فقه نداشته باشد.

۲-۳. قیام مسلحانه

«قیام مسلحانه» در جایگاه رفتار بغی، نقشی اساسی در تحقق این جرم داشته و به عبارت دیگر پیکره جرم را تشکیل می‌دهد و نمایانگر اولین جزء از عنصر مادی است؛ از این رو باید مورد واکاوی قرار گیرد و تعریفی صریح، روشن و بدون ابهام از آن ارائه شود. در خصوص مفهوم «قیام مسلحانه» دو برداشت وجود دارد:

شرط بودن اقدام عملی در مفهوم قیام مسلحانه: براساس این برداشت، برای تحقق قیام مسلحانه، نیاز به اقدام عملی است. به عبارت دیگر نیاز است گروه دست به سلاح برده و عملاً از سلاح استفاده کند. پژوهش‌های علمی و مطالعات فقهی در این برداشت منظور از قیام مسلحانه، انجام عملیات چریکی، پارتیزانی و مقابله با حکومت مرکزی به منظور تضعیف حکومت و احیاناً سرنگونی آن است (پیمانی، ۱۳۹۲: ۶۸). به عبارت دیگر قیام مسلحانه صرف اعلام اینکه از سوی یک گروه که آنها به اصطلاح وارد فاز مسلحانه علیه حکومت شده‌اند، محقق نمی‌شود، بلکه دست بردن به سلاح علیه اساس حکومت در عمل ضروری است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۶۹). گروه مذکور با این اقدام عملاً در مقابل اساس نظام جمهوری اسلامی ایران و به قصد براندازی آن، دست به عملیات نظامی می‌زنند (پورباقرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳). در قیام مسلحانه اقدام

مسلحانه نیاز است و صرف اعلام، اظهار و بیان آن، قیام مسلحانه تحقق نمی‌یابد.

شرط نبودن اقدام عملی در مفهوم قیام مسلحانه: براساس این برداشت هرگاه گروهی سازمان‌یافته و مسلح، اظهار و اعلام کنند که علیه حاکمیت خروج کرده و از فرامین حکومتی جهت براندازی و تغییر حاکمیت نافرمانی کنند، قیام مسلحانه محقق می‌شود. به عبارت دیگر صرف خبر دادن آن در یک اعلامیه در راهپیمایی و یا مصاحبه مطبوعاتی و یا اعلام آن از طریق فضای مجازی، قیام مسلحانه شکل می‌گیرد و نیازی به استفاده عملی از سلاح و عملیات نظامی نیست.

در تأیید این برداشت، یکی از حقوقدانان اظهار داشته است: «منظور از قیام مسلحانه آن است که گروه رسماً اعلام حمله مسلحانه کرده باشد یا اینکه بدون اعلام رسمی، مخالفت خود را با نظام به صورت تحرکات مسلحانه نشان داده باشد. البته استفاده عملی از سلاح مؤثر در مقام نیست» (مصدق، ۱۳۹۷: ۴۰۵).

به نظر می‌رسد از میان دو برداشت فوق، برداشت دوم صحیح است؛ زیرا در صورتی که اقدام عملی را در تحقق مفهوم قیام مسلحانه شرط بدانیم، باید بپذیریم افرادی که قبل از هرگونه اقدام عملی به استفاده از سلاح، دستگیر شوند، باغی محسوب نمی‌شوند. در حالی که براساس ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی، این افراد نیز باغی هستند؛ اما مجازات آنها نسبت به افرادی که اقدام به استفاده از سلاح کرده‌اند، متفاوت است. از طرف دیگر در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی، اقدام عملی در مفهوم قیام مسلحانه مستور نیست؛ زیرا در صورت مستور بودن این امر باید نیازی به طرح بند دوم ماده (در صورت استفاده از سلاح) وجود نداشته باشد؛ بنابراین منظور از قیام مسلحانه، اعلام و اظهار به قیام مسلحانه است. به عنوان مثال اگر گروهی در خیابان‌های شهر یا محلی تجمع کنند، ظهور و بروز داشته و اسلحه در دست داشته باشند و هدف خود را مقابله با نظام معرفی کنند، گروه باغی محسوب

می‌شوند؛ هرچند که هنوز اقدام عملی در به کار بردن سلاح صورت نگرفته باشد.^۱ ابهام دیگر در عبارت «قیام مسلحانه» آن است که تمام اعضای گروه باید مسلح باشند و یا اینکه سلاح داشتن تعدادی از اعضا برای تحقق قیام مسلحانه کافی است. در این باره بین حقوقدانان در اینکه آیا باید همه اعضای گروه مسلح باشند یا خیر اختلاف وجود دارد (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶: ۷۹).

به نظر می‌رسد اگر تعدادی از اعضای گروه سلاح در دست داشته باشند، گروه باغی بر تمام افراد گروه صدق می‌شود؛ زیرا قیام مسلحانه وصف اعضای گروه نیست، بلکه وصف گروه است. در تأیید این نظر گفته شده است: «مسلح بودن یکایک افرادی که در قیام شرکت می‌کنند شرط نیست؛ کافی است بعضی از قیام‌کنندگان مسلح باشند» (پیمانی، ۱۳۹۲: ۶۸؛ پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

۳. ابهام ساختاری

ابهام جمله همواره ناشی از استفاده واژه‌ای خاص نیست، بلکه ممکن است به واسطه ابهام در ساختار جمله و نحوه ترکیب واژگان با یکدیگر باشد؛ به عبارت دیگر اگر ساخت جمله به گونه‌ای باشد که دو تعبیر درباره آن صادق شود، ابهام ساختاری تحقق یافته است^۲ (امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

ابهام ساختاری در جرم بغی، از نوع ارجاعی است. در این ابهام اگر واحدهای دستوری که به همراه یک مرجع می‌آیند، با دو مرجع قبل از خود مواجه باشند و

۱. برگرفته از سؤال معاون دادستان عمومی و انقلاب زاهدان از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰۰/۱۵۰۱/۴۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۹.

۲. ابهام ساختاری برحسب اینکه ناشی از حذف یک واژه یا ناشی از دوگانگی امکان ترکیب واژگان در یک گروه اسمی یا ناشی از دوگانگی امکان ارجاع به مرجع پیشین باشد، به سه‌گونه «حذفی»، «گروهی» و «ارجاعی» تقسیم می‌شود (صادقی‌مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

امکان ارجاع به هر دو وجود داشته باشد،^۱ این دوگانگی باعث ایجاد ابهام ارجاعی می‌شود (صادقی‌مقدم و امام‌وردی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

قانونگذار در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌شوند». عبارت «اعضای آن» را می‌توان به همه اعضای گروه و یا فقط به اعضای که دست به سلاح برده‌اند (اعضای مسلح) ارجاع داد؛ از این رو دو حالت فوق را بررسی می‌کنیم.

۱-۳. همه اعضا

در این حالت چنانچه عبارت «اعضای آن» در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی، به واژه «گروهی» که در ابتدای ماده ذکر شده است، برگردد، تمام اعضای گروه باغی محسوب شده و مجازات آنها اعدام خواهد بود.

برای تبیین این فرض، می‌توان یک گروه را با عضویت ۹ نفر متصور شد که منسجم بوده و به صورت تشکیلاتی و سازمان‌یافته اقدام می‌کنند و در هدف خود یعنی براندازی نظام جمهوری اسلامی متحد هستند. چهار نفر در صحنه عملیات حضور داشته که سه نفر دست به سلاح برده و یک نفر بدون سلاح بوده است و پنج نفر دیگر در صحنه عملیات حضور نداشته و نقش پشتیبان و هماهنگ‌کننده صحنه عملیات را برعهده داشته‌اند. ابهام ساختاری در جرم‌انگاری بغی که منتج به سرگردانی و اختلاف نظر در سیاست جنایی قضایی شده، آن است که افراد حاضر در صحنه عملیات، تعدادی دست به سلاح برده و تعدادی از سلاح استفاده نکرده‌اند. در این گونه موارد، در محاکم و دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور آرای مختلفی صادر شده که ناشی از برداشت‌های مختلف از ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۱. به عنوان مثال دو مرجع برای یک ضمیر محتمل باشد.

است.^۱ این برداشت‌ها را می‌توان در دو گروه مورد بررسی قرار داد.

۱-۱-۳. اعضای حاضر در صحنه عملیات

برداشت اول از عبارت «اعضای آن» در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی، آن است که تمام اعضای گروه که حاضر در صحنه عملیات هستند، گروه باغی محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شوند.

حقوقدانان در تأیید این نظر اظهار داشته‌اند: «مقصود از عبارت «اعضای آن اعدام می‌شوند»، تمامی اعضای گروه هستند نه فقط افرادی که از سلاح استفاده کرده باشند؛ به عبارت دیگر اگر عده‌ای در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قیام کنند و فقط چند نفر از آنان مسلح به سلاح باشند و دو نفر از اعضای اقدام به تیراندازی یا مجروح کردن افراد کنند، همگی مشمول حکم ماده مرقوم (مقرر در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) قرار می‌گیرند» (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶: ۷۹). «مسلح بودن بعضی از افراد مقدم علیه حکومت برای تحقق جرم کافی است» (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۳۵۳).

به نظر می‌رسد عبارت «در صورت استفاده از سلاح» وصف گروه است نه تک‌تک اعضای گروه و طبق مبانی جرم‌انگاری بغی، از جمله لزوم حفظ نظام و استقرار امنیت در جامعه و همچنین بیان مطلق لزوم رویارویی و مقابله با باغیان در فقه، در صورتی که گروه باغی قیام مسلحانه کنند و دست به سلاح نیز برده باشند، افرادی که در صحنه عملیات حضور دارند و از هدف و قصد گروه که همان براندازی نظام است، اطلاع داشته باشند، حتی اگر از سلاح استفاده نکنند نیز مشمول مجازات ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی می‌شوند. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای رفع این ابهام عبارت «در صورت استفاده از سلاح، تمام اعضای گروه که در صحنه عملیات حضور

۱. این گزاره حاصل یک سال بررسی میدانی و مطالعه قرارهای دادسرا و آرای شعب دادگاه انقلاب است.

دارند، به مجازات اعدام محکوم می‌شوند» به قسمت اخیر ماده (۲۸۷) اضافه شود.^۱

۲-۱-۳. اعضای پشتیبان کننده

برداشت دوم از عبارت «اعضای آن» در ماده (۲۸۷)، آن است که علاوه بر اعضای حاضر در صحنه عملیات، اعضای که نقش پشتیبان کننده و هماهنگ کننده صحنه عملیات را برعهده دارند، باغی محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شوند. در تبیین این نظر، طبق مثال قبلاً گفته شده، پنج نفر دیگر که در صحنه عملیات حضور نداشته و نقش پشتیبان و هماهنگ کننده صحنه عملیات را برعهده داشته‌اند نیز گروه باغی محسوب می‌شوند؛ اما درباره مجازات این اعضا دو فرض را می‌توان متصور شد:

فرض اول: در این فرض پنج نفر عضو گروه بوده و هیچ کدام نقش سردستگی نداشته‌اند؛ طبق ماده (۲۸۷) محکوم به اعدام می‌شوند. در تبیین این نظر، یکی از حقوقدانان بیان داشته است: «در یک تشکیلات سازمانی، الزاماً همه افراد گروه مسئولیت اقدام مسلحانه را ندارند، بلکه عده‌ای نیز مسئول سازماندهی، تدارکات، تبلیغات و ... هستند؛ بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان صرف عضویت در گروه‌هایی که دست به اقدامات مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی می‌زنند، تمام اعضای گروه را حتی آنهایی که وظیفه تبلیغ و پشتیبانی را برعهده گرفته‌اند و در عرصه نبرد مسلحانه و عملیات میدانی حضور نیافته‌اند، باغی محسوب کرد؛ زیرا مجموع این افراد اعم از افراد مسلح و پشتیبانی کننده یک گروه را تشکیل می‌دهند و مطمئناً ریشه‌کنی گروه‌های باغی بدون برخورد با اعضای پشتیبان و مؤثر آنها حاصل نخواهد شد» (کوشا، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

۱. براساس این نظر در حمله به کلانتری ۲۲ کوی مجاهد اهواز در تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۶ با هدف مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران که سه نفر وارد کلانتری شده و با تیراندازی به مقر نظامی و مأموران اقدام به قتل و جرح پرسنل کلانتری می‌کنند و یک نفر دیگر در صحنه عملیات حضور داشته، اما دست به سلاح نبرده است، هر چهار نفر را می‌توان براساس ماده (۲۸۷) به اعدام محکوم کرد.

قانونگذار در ماده (۱۹۸) قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱^۱ و در ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^۲ که دربرگیرنده مفهوم بغی بودند، همین نظر را تأیید کرده و تمام اعضا و حتی هواداران گروه اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند را محارب (باغی) دانسته است.^۳

فرض دوم: در این فرض، چهار نفر عضو گروه بوده و یک نفر نقش سردستگی گروه را برعهده داشته است. قانونگذار به علت اهمیت نقش سردسته، در ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۴ مجازات خاصی را برای ایشان پیش‌بینی کرده است (شاکری و قلی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۸). در این باره یکی از حقوقدانان اظهار داشته: «لزومی ندارد سردسته گروه در قیام شرکت داشته باشد، بلکه اشخاصی که عضو گروه بوده‌اند و نقش سردستگی یا رهبری را دارند، گرچه در قیام نباشند، مشمول حکم جرم بغی قرار می‌گیرند» (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶: ۸۱). همچنین

۱. ماده (۱۹۸) قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱: «هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، تمام افراد و هوادارانی که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربانند؛ اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند».

۲. ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، مادام که مرکزیت آن باقی است، تمام اعضا و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربانند؛ اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند».

۳. براساس این فرض اعضای پشتیبان‌کننده، تدارکاتی، تبلیغاتی و هماهنگ‌کننده گروهی که در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی حمله مسلحانه کرده‌اند و دست به سلاح نبرده و عملاً در صحنه عملیات درگیر نشده‌اند، به مجازات مقرر در ماده (۲۸۷) محکوم می‌شوند.

۴. ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌شود، مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌شود».

تبصره «۱»: گروه مجرمانه، عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود.

تبصره «۲»: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است».

قانونگذار در ماده (۲۰۰) قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱^۱ و ماده (۱۸۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^۲ هر فردی را که در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا کند، محارب و مفسد فی الارض دانسته و به نظر می‌رسد این فرد می‌تواند مصداق سردسته گروه نیز باشد.

بنابراین طبق این فرض در صورتی که فردی سردستگی گروه باغی را برعهده داشته باشد، با توجه به ذکر بغی در کتاب حدود و همچنین براساس ظاهر ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی که بغی را مشمول مجازات حدی دانسته و مطابق مواد (۱۳۰ و ۱۲۶) قانون مجازات اسلامی، سردسته گروه باغی، در صورتی که اعضای گروه به اعدام محکوم شوند به حبس درجه دو یا سه محکوم می‌شود.

در خصوص فرض اول به نظر می‌رسد این فرضیه مردود است؛ زیرا طبق قسمت اخیر ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی اگر اعضای گروه باغی قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند، به حبس تعزیری محکوم می‌شوند.^۳

درباره فرض دوم، به نظر می‌رسد در صورتی که قائل به حدی بودن مجازات گروه باغی باشیم و اعضای گروه به اعدام محکوم شوند و سردسته به حبس محکوم شود، با فلسفه جرم‌انگاری سردستگی گروه مجرمانه که اعمال مجازات مشدد بر ایشان است، تناسب نداشته و از طرفی اگر نظر به اعدام سردسته باشد، به دلیل اینکه او در عملیات اجرایی بغی که شامل قیام مسلحانه و دست بردن به سلاح است، شرکت نداشته اعدام سردسته محل اشکال است.

۱. ماده (۲۰۰) قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱: «هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا کند و نامزدی او در تحقق کودتا به‌نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است».

۲. ماده (۱۸۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا کند و نامزدی او در تحقق کودتا به‌نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است».

۳. محتوای حکم دادگاه انقلاب در خصوص افراد پشتیبان‌کننده حمله تروریستی به رژه ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۹۷ در اهواز از این نظر پیروی کرده است.

به نظر می‌رسد جهت تناسب مجازات اعضا و سردسته گروه باغی و توجه به مبانی جرم‌انگاری سردستگی گروه مجرمانه و همچنین مدنظر قرار دادن این مسئله که الزاماً استفاده از سلاح به این معنا نیست که تمامی افراد گروه از اسلحه استفاده کنند، بلکه همین که برای تحقق اهداف اسلحه به کار رود، کفایت می‌کند؛ می‌توان از باب تعزیر سردسته را به مجازات اعضای گروه محکوم کرد.

۲-۳. اعضای مسلح

در این حالت، چنانچه عبارت «اعضای آن» در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی به گزاره «در صورت استفاده از سلاح» که در ماده ذکر شده است، برگردد، فقط اعضای که دست به سلاح برده‌اند به مجازات اعدام محکوم خواهند شد. در تبیین این حالت، ممکن است تعدادی از اعضای گروه دست به سلاح برده و یا اینکه تمامی اعضای گروه دست به سلاح برده باشند که می‌توان در دو برداشت آن را بررسی کرد:

برداشت اول: فقط افرادی که در صحنه عملیات دست به اسلحه برده‌اند، مصداق ماده (۲۸۷) هستند و اعدام می‌شوند و افرادی که در صحنه عملیات بوده‌اند، اما دست به اسلحه نبرده‌اند، مطابق ماده (۲۸۸) به حبس تعزیری محکوم می‌شوند. در تأیید این نظر، یکی از حقوقدانان بیان کرده است: «عدم تفکیک بین اعضای مسلح و غیرمسلح در نوع مجازات منطقی نیست؛ همان‌گونه که در محاربه نیز فقیهان بین کسانی که دست به اسلحه می‌برند و افرادی که وظیفه دیده‌بانی و کمک به محاربین مانند نگهداری اموال را برعهده دارند، تفاوت گذاشته‌اند؛ بنابراین اعضای که دست به سلاح نبرده‌اند، به اعدام محکوم نمی‌شوند و حسب مورد مشمول مجازات مقرر در ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی خواهند بود» (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۴۸۶).

همچنین یکی دیگر از حقوقدانان اظهار داشته است: «عبارت «در صورت استفاده

از سلاح» ماده (۲۸۷) نشان می‌دهد کسانی باغی محسوب می‌شوند که خود عملاً دست به سلاح برده باشند؛ چون اگر بنا بود که صرف اقدام به قیام مسلحانه از سوی گروه، موجب باغی محسوب شدن همه اعضا و هواداران آن شود و به عبارت دیگر اگر قید «در صورت استفاده از سلاح» به استفاده گروه (و نه فرد خاصی) از سلاح اشاره می‌داشت، آنگاه با توجه به اینکه ماده به قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده، دیگر نیازی به قید «در صورت استفاده از سلاح» در ماده وجود نداشت. بنابراین می‌توان گفت که ماده (۲۸۷) به دو شرط مجزا اشاره کرده است: اول اینکه گروه علیه اساس نظام دست به سلاح برده باشد و دوم اینکه متهم خاص نیز از سلاح استفاده کرده باشد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۶۹).

به نظر می‌رسد در عقیده فوق مفهوم «قیام مسلحانه» و «استفاده از سلاح» خلط شده است، در حالی که طبق ماده (۲۸۷) صرف قیام مسلحانه (شورش و خروج مسلحانه گروهی منسجم و سازمان‌یافته علیه نظام حاکم به قصد براندازی) باعث اطلاق گروه باغی به این افراد می‌شود و در صورت «استفاده از سلاح» توسط چند نفر از اعضای گروه، تمام افراد گروه که در صحنه عملیات حضور دارند محکوم به اعدام می‌شوند؛ زیرا «اعضای آن» در ماده (۲۸۷) قید و تخصیصی ندارد و به صورت مطلق بیان شده و به واژه «گروهی» ابتدای ماده اشاره دارد.

برداشت دوم: در صورتی که افراد حاضر در صحنه عملیات مسلح باشند، تمام این افراد به مجازات اعدام محکوم می‌شوند. به نظر می‌رسد این برداشت از ماده (۲۸۷) واضح و بدون ابهام است.^۱

۱. به عنوان مثال قیام مسلحانه و استفاده از سلاح چهار نفر در حمله به مردم و رژه نیروهای مسلح اهواز در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۹۷، در صورتی که همه چهار نفر حاضر در صحنه عملیات از سلاح استفاده کرده باشند (در صورتی که زنده مانده بودند) مطابق ماده (۲۸۷) قانون مجازات به اعدام محکوم می‌شدند.

۴. ابهام مفهومی

تثنت معنایی در عبارات، ابهام مفهومی را تشکیل می‌دهد (شیری، ۱۳۹۰: ۳۵).
به عبارت دیگر در ابهام مفهومی یا ابهام معنایی، تردید در مفهوم یک عبارت رخ
می‌دهد (امام‌وردی، ۱۳۹۹: ۶۹).

عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» در ماده (۲۸۸) قانون مجازات
اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دارای ابهام مفهومی است که از معنای آن چهار برداشت
می‌توان داشت.

برداشت اول: عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» مبین شروع به جرم
بغی است. به عبارت دیگر وقتی که گروه مجرمانه، اسلحه تهیه می‌کند و دست به سلاح
می‌برد و آماده قیام می‌شود، در صورتی که حرکت اولیه قیام را انجام دهند اما به هر
علتی که خارج از اراده آنهاست، دستگیر شوند، در این حالت چون اعضای گروه درگیر
نشده و از سلاح نیز استفاده نکرده‌اند؛ مرتکب شروع به جرم بغی شده‌اند؛ به عنوان
مثال گروهی منسجم جهت قیام مسلحانه در شهری با هدف براندازی نظام در خارج از
آن شهر سازماندهی شده و با در دست داشتن سلاح به سمت ورودی‌های شهر حرکت
کنند و قبل از ورود به شهر و قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند.

سؤال مطرح در این خصوص آن است که عنصر مادی و به عبارت دیگر رفتاری
که لازمه تشکیل جرم بغی است، قیام مسلحانه بوده، در صورتی که در این حالت
قیام مسلحانه به طور کامل محقق نشده است و در صدر ماده به این افراد خطاب
«اعضای گروه باغی» شده است. اگر قیام مسلحانه محقق نشده، چگونه مقنن به
اعضای این گروه عنوان گروه باغی داده است؟ در این باره یکی از حقوقدانان بیان
می‌کند: «عبارت اعضای گروه باغی در صدر ماده (۲۸۸)، به اعتبار قرینه، یعنی به
اعتبار اینکه قرار است در آینده باغی به حساب آیند، استعمال شده است» (ابوالفضل

چهره‌ای، ۱۳۹۹: ۲۸۲). همچنین قائلین به این برداشت بیان می‌کنند که قانونگذار عبارت «اعضای گروه باغی» را در این ماده به عنوان مجاز به کار برده و منظور مقنن از اعضای گروه باغی، اعضای است که شروع به جرم بغی کرده‌اند.

برداشت دوم: منظور از عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» حالتی است که قیام مسلحانه صورت گرفته است؛ اما اعضای گروه هنوز دست به سلاح نبرده‌اند. به عبارتی اگر گروه جهت براندازی نظام قیام مسلحانه کنند و براساس مثال قبلی با در دست داشتن سلاح وارد شهر شوند و اعلام موجودیت کنند و در همین حین و قبل از درگیری و تیراندازی (دست بردن به سلاح) دستگیر شوند، اعضای این گروه طبق ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی، مجازات شده و صدق عنوان گروه باغی به این افراد نیز محل تردید نیست.

برداشت سوم: منظور از عبارت «قبل از دستگیری و استفاده از سلاح» حالتی است که قیام مسلحانه صورت گرفته است و اعضای گروه در حین عملیات هستند. به عبارت دیگر بعد از قیام مسلحانه، اعضای گروه در حال تیراندازی و استفاده از سلاح هستند. طبق مثال پیش گفته، اعضای گروه با حمله مسلحانه به استانداری آن شهر با هدف براندازی نظام، در حال تیراندازی هستند. در این برداشت، افرادی که در صحنه عملیات حضور داشته اما اسلحه در دست ندارند و درگیر نیز نشده‌اند، مصداق عبارت فوق قرار می‌گیرند. بنابراین اگر فردی که در صحنه عملیات حضور دارد، اما فقط وظیفه هماهنگی افراد در گروه را برعهده داشته و یا فقط وظیفه اعلام نقاط حساس و مهم ساختمان استانداری را برعهده داشته است، طبق ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود.

برداشت چهارم: منظور از عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» حالتی است که قیام مسلحانه صورت گرفته و اعضای گروه دست به سلاح برده و تیراندازی

نیز کرده‌اند و عملیات پایان یافته است. پس از مدتی افرادی از اعضای گروه که نقش پشتیبانی‌کننده برعهده داشته‌اند، دستگیر می‌شوند. به عبارت دیگر این افراد هم عضو گروه باغی هستند و هم درگیر نشده و از سلاح نیز استفاده نکرده‌اند. بر این اساس افراد مذکور طبق ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شوند.

به نظر می‌رسد برداشت اول و سوم را می‌توان مورد خدشه قرار داد. درباره برداشت اول، می‌توان گفت که بغی جرمی مطلق است و به محض تحقق رفتار مجرمانه، جرم تشکیل می‌شود و همچنین اصل تحقق شروع به جرم در جرائم مطلق مورد مناقشه و تحقق آن دشوار است.

بر این اساس تمام اعمالی که قبل از قیام مسلحانه انجام می‌شود، اقدامات مقدماتی محسوب شده و اصل بر این است که جرم نیست، مگر اینکه عنوان مجرمانه مستقلی (مانند حمل سلاح غیرمجاز) داشته باشد. تفکیک اعمال مقدماتی قیام مسلحانه و قیام مسلحانه، روشن و واضح است؛ اما تشخیص شروع به عملیات اجرایی قیام مسلحانه و تحقق قیام مسلحانه مشکل و غیرممکن به نظر می‌رسد. استدلال دیگر در رد این برداشت آن است که قانونگذار به صراحت در صدر ماده مذکور افرادی را که درگیر نشده و دست به سلاح نیز نبرده‌اند، اعضای گروه باغی خطاب کرده و از این رو در صورتی که گروه قیام مسلحانه نکرده باشد، صدق عنوان گروه باغی بر افراد مذکور خلاف نص قانون است.

در خصوص برداشت سوم، به نظر می‌رسد طبق استدلال پیش‌گفته (منظور از عبارت «اعضای آن» در ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی، تمام اعضای است که در صحنه عملیات حضور داشته‌اند؛ چه اعضای که از سلاح استفاده کرده‌اند و چه اعضای که از سلاح استفاده نکرده‌اند)، تمام افرادی که در صحنه عملیات حضور داشته و از هدف گروه که براندازی نظام است آگاه بوده‌اند، حتی اگر از سلاح استفاده

نکرده و درگیر نشده باشند، طبق ماده (۲۸۷) محکوم به اعدام می‌شوند. بنابراین مجازات ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی در این حالت مدنظر نیست.

به نظر می‌رسد برداشت دوم و چهارم صحیح و مطابق مفاد مواد (۲۸۷ و ۲۸۸) قانون مجازات اسلامی است. زیرا براساس ماده (۲۸۷) با قیام مسلحانه، گروه باغی تشکیل شده و در قیام مسلحانه نیازی به درگیری و تیراندازی (استفاده از سلاح) نیست و در دست داشتن سلاح و همچنین اعلام موجودیت به قصد مقابله با نظام کفایت می‌کند. بنابراین افرادی که در حین انجام قیام مسلحانه درگیر نشده و دست به سلاح نیز نبرده‌اند به مجازات ماده (۲۸۸) محکوم می‌شوند.

در خصوص برداشت چهارم به نظر می‌رسد مطابق مواد (۲۸۷ و ۲۸۸) قانون مجازات اسلامی است. افرادی که بعد از قیام و عملیات مسلحانه دستگیر شوند، عضو گروه باغی محسوب می‌شوند حتی اگر در صحنه عملیات حضور نداشته و به بیانی دیگر از سلاح استفاده نکرده و درگیر نشده باشند؛ براساس ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

مسئله دیگر در خصوص مفهوم عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» آن است که اعضای گروه حتی یک بار هم علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران از سلاح استفاده نکرده باشند. به عبارت دیگر هرگونه سابقه درگیری و استفاده از سلاح با عنوان سازمانی که اعلام قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی کرده است، فرد را از شمول ماده (۲۸۸) خارج و ذیل ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی قرار خواهد داد. بنابراین در صورتی که اعضای مسلح پس از درگیری مسلحانه متواری شده و بعداً در مکانی بدون درگیری دستگیر شوند، مشمول حکم ماده (۲۸۷) خواهند بود؛ زیرا این افراد از زور و سلاح استفاده کرده‌اند و نمی‌توان گفت که پیش از درگیری دستگیر شده‌اند، بلکه عملاً پس از درگیری دستگیر شده‌اند هرچند در

زمان دستگیری مسلح نبوده و یا اقدام مسلحانه انجام نداده باشند.^۱

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جرائم علیه حاکمیت که هدف آن ثبات حکومت و تلاش در جهت استحکام بخشیدن به اصل نظام حاکم است، مهمترین و حساس‌ترین چالش تقابل میان «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» است. بنابراین ضروری است که قانون‌نویسی این‌گونه جرائم، بدون ابهام انجام شود؛ اما قانونگذار برای نخستین بار در سال ۱۳۹۲ در دو ماده از قانون مجازات اسلامی به جرم‌انگاری بغی پرداخته و با استفاده از عباراتی مبهم، دوپهلو و گاهی کلی علاوه بر ایجاد زمینه تشکیک آرای محاکم و سرگردانی سیاست‌جنایی قضایی، موجب شد در مواردی اصول کلی حقوق کیفری نیز مورد خدشه قرار گیرد.

در این پژوهش ابهامات موجود در جرم‌انگاری بغی بررسی شد و تفاوت بین بغی فقهی و بغی قانونی و همچنین عدم توجه کافی مقنن به اصول قانون‌نویسی در حقوق کیفری، به عنوان دو عامل مهم زمینه‌ساز ابهام در جرم‌انگاری بغی معرفی شد. در خصوص ابهام واژگانی با تأکید بر سه واژه «گروهی بودن»، «اساس نظام» و «قیام مسلحانه» مهمترین ابهام در واژه «گروهی» را عدم ذکر تعداد افراد تشکیل‌دهنده گروه باغی در متن قانونی معرفی کردیم و رفع این ابهام را با توجه به اینکه قانونگذار در موارد متعددی در قانون مجازات اسلامی، تعداد افراد گروه را مشخص کرده است؛ ضروری می‌دانیم.

استفاده از واژه کلی و مبهم «اساس نظام» در متن ماده (۲۸۷) قانون مجازات

۱. برگرفته از سؤال معاون دادستان عمومی و انقلاب زاهدان از مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه و پاسخ آن مرکز به شماره دبیرخانه ۹۰۰۰/۱۵۰۱/۴۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۹.

اسلامی، خلاف اصل شفافیت در جرم‌انگاری قوانین کیفری بوده و این موضوع باعث اختلاف نظر بین حقوقدانان و قضات شده است. عده‌ای «اساس نظام» را بر مبنای نظر فقها، متوجه امام حاکم بر جامعه و ولایت فقیه دانسته و عده‌ای نیز «اساس نظام» را به ارکان نظام جمهوری اسلامی تعبیر می‌کنند. از این رو ضروری است که قانونگذار با تبیین این موضوع به صورت دقیق و شفاف معنای «اساس نظام» را مشخص کند و متن ماده اصلاح شود.

یکی دیگر از ابهام‌های واژگانی «قیام مسلحانه» است که دو برداشت در این باره محتمل است: اول آنکه در قیام مسلحانه شرط این است که اقدام عملی انجام شود و دوم آنکه قیام مسلحانه بدون اقدام عملی از سوی گروه باغی نیز محقق می‌شود. به نظر می‌رسد ذیل ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی بیانگر این نکته است که اقدام عملی در مفهوم قیام مسلحانه مستور نیست؛ زیرا در این صورت نیازی به طرح قسمت دوم ماده (در صورت استفاده از سلاح) وجود ندارد. بنابراین منظور از قیام مسلحانه اعلام و اظهار به قیام مسلحانه است. ابهام دیگر در عبارت «قیام مسلحانه» آن است که تمام اعضای گروه مسلح باشند و یا اینکه سلاح داشتن تعدادی از اعضا برای تحقق قیام مسلحانه کافی است. اگر تعدادی از اعضای گروه سلاح در دست داشته باشند، گروه باغی بر تمام افراد گروه اطلاق می‌شود؛ زیرا قیام مسلحانه وصف اعضای گروه نیست بلکه وصف گروه است و از این رو ضروری است که مقنن برای رفع این ابهام اقدام کند.

ابهام ساختاری در جرم‌انگاری بغی آن است که تمام اعضای گروه باغی محکوم به اعدام می‌شوند و یا فقط اعضایی که دست به سلاح برده‌اند، به این مجازات محکوم می‌شوند؟ این ابهام ناشی از محل قرار گرفتن عبارت «اعضای آن» در ساختار جمله، ذیل ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی است که به واژه «گروهی» ابتدای متن ماده

مذکور ارجاع پیدا می‌کند و یا به عبارت «در صورت استفاده از سلاح». به نظر می‌رسد عبارت «اعضای آن» به واژه «گروهی» ابتدای ماده اشاره دارد و طبق مبانی جرم‌انگاری بغی از جمله لزوم حفظ نظام و استقرار امنیت در جامعه و همچنین بیان مطلق لزوم رویارویی و مقابله با باغیان در فقه، در صورتی که گروه باغی قیام مسلحانه کرده و دست به سلاح نیز برده است، افرادی که در صحنه عملیات حضور دارند و از هدف و قصد گروه که همان براندازی نظام است اطلاع داشته باشند، حتی اگر از سلاح استفاده نکنند نیز مشمول مجازات ماده (۲۸۷) قانون مجازات اسلامی می‌شوند. همچنین در خصوص ابهام در مجازات سردسته گروه باغی، برای تناسب مجازات اعضا و سردسته گروه باغی و توجه به مبانی جرم‌انگاری سردستگی گروه مجرمانه و همچنین مدنظر قرار دادن این مسئله که الزاماً استفاده از سلاح به معنای آن نیست که نیاز باشد تمامی افراد گروه از اسلحه استفاده کنند، بلکه همین که برای تحقق اهداف گروه اسلحه به کار رود کفایت می‌کند؛ ضروری است که قانونگذار مجازات سردسته گروه باغی (که در عملیات مسلحانه هم حضور نداشته است) را به صورت شفاف بیان کند.

عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» در ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی با ابهام مفهومی مواجه است؛ به عبارت دیگر از این عبارت برداشت‌های مختلفی شده و آن را با ابهام روبه‌رو کرده است.

براساس برداشت اول، عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» مبین شروع به جرم بغی است. برداشت دوم، حالتی را تصور می‌کند که قیام مسلحانه انجام شده، اما اعضای گروه هنوز دست به سلاح نبرده‌اند. در برداشت سوم، قیام مسلحانه انجام شده و اعضای گروه حین عملیات (در حال تیراندازی و استفاده از سلاح) هستند. در این برداشت افرادی که در صحنه عملیات حضور دارند اما از اسلحه استفاده نکرده و درگیر نیز نشده‌اند، مصداق عبارت فوق قرار می‌گیرند. در برداشت چهارم نیز قیام مسلحانه

انجام شده و اعضای گروه دست به سلاح برده و تیراندازی نیز کرده‌اند و عملیات پایان یافته است و پس از مدتی افرادی از اعضای گروه که نقش پشتیبان‌کننده گروه را برعهده داشته‌اند، دستگیر شده‌اند.

به نظر می‌رسد که برداشت اول و سوم را می‌توان مورد خدشه قرار داد؛ زیرا در حالت اول قانونگذار در صدر ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی، از عبارت «اعضای گروه باغی» استفاده کرده است و این عبارت نشان‌دهنده تحقق رفتار جرم باغی به صورت کامل است و از این جهت شروع به جرم در این ماده جایگاهی ندارد. در حالت سوم نیز تمام افرادی که در صحنه عملیات حضور داشته و از هدف گروه که براندازی نظام است آگاه بوده‌اند، حتی اگر از سلاح استفاده نکرده و درگیر نشده باشند، مطابق ماده (۲۸۷) محکوم به اعدام می‌شوند؛ بنابراین محکومیت افراد مذکور به مجازات ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی در این حالت متصور نیست.

به نظر می‌رسد برداشت دوم و چهارم صحیح باشد؛ زیرا در حالت دوم براساس ماده (۲۸۷) با قیام مسلحانه، گروه باغی تشکیل می‌شود و در قیام مسلحانه نیازی به درگیری و تیراندازی (استفاده از سلاح) نیست و در دست داشتن سلاح و همچنین اعلام موجودیت به قصد مقابله با نظام کفایت می‌کند؛ بنابراین افرادی که در حین انجام قیام مسلحانه توسط گروه، درگیر نشده و دست به سلاح نیز نبرده‌اند به مجازات ماده (۲۸۸) محکوم می‌شوند. در حالت چهارم نیز افرادی که بعد از قیام و عملیات مسلحانه دستگیر شوند، عضو گروه باغی به حساب می‌آیند، حتی اگر در صحنه عملیات حضور نداشته و به عبارت دیگر از سلاح استفاده نکرده و درگیر نشده باشند. بنابراین براساس ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

ضروری است برای رفع ابهام از عبارت «قبل از درگیری و استفاده از سلاح» در ماده (۲۸۸) قانون مجازات اسلامی، متن ماده اصلاح شود.

منابع و مأخذ

۱. ابوالفضل چهره‌ای، امید (۱۳۹۹). مفهوم و ماهیت فقهی و حقوقی جرائم حدی علیه امنیت و حاکمیت (محرابه، افساد فی الارض، بگی)، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب آوا.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ ق). کفایه‌الاصول، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۳. آقابابایی، حسین (۱۳۹۵). «دکتریم مقابله با بگی در اسلام و نحوه انعکاس آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲»، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۸، ش ۱۵.
۴. الهی‌منش، محمدرضا و محسن مرادی اوجقاز (۱۳۹۶). حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۵. امام‌وردی، محمدحسن (۱۳۹۹). ابهام‌زدایی از زبان حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۶. امیدی، جلیل (۱۳۹۴). تفسیر قانون در حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات مخاطب.
۷. بن‌سعید، جواد (۱۳۶۵). مسالک الفهم الی آیات الاحکام، جلد دوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
۸. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
۹. پیمانی، ضیاء‌الدین (۱۳۹۲). حقوق کیفری اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
۱۰. حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۲۰ ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، جلد دوم، قم، انتشارات مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۱. دیلمی، احمد (۱۳۸۲). بایسته‌های تفسیر قوانین با تأکید بر قوانین اساسی و مدنی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه قم.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۹۴). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاودانه جنگل.
۱۳. سلطانی، نورالله (۱۳۹۴). شرح جامع و کاربردی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد دوم، چاپ اول، قم، نشر قضا (مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی قوه قضائیه).
۱۴. شاکری، ابوالحسن و بهروز قلی‌زاده (۱۳۹۷). «سردستگی در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی

۱۵. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۸). حقوق جرائم جزای اختصاصی جرائم علیه مصالح عمومی کشور، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات مجد.

۱۶. شیرینی، قهرمان (۱۳۹۰). «اهمیت و انواع ابهام در پژوهش‌ها»، فصلنامه فنون ادبی، سال ۳، ش ۵.

۱۷. صادقی‌مقدم، محمدحسن و محمدحسن امام‌وردی (۱۳۹۲). «گونه‌هایی از ابهام در گزاره‌های قانونی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵، سال ۲، ش ۳.

۱۸. صفوی، کورش (۱۳۹۹). درآمدی بر معناشناسی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سوره مهر.

۱۹. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة، جلد هفتم، تهران، انتشارات مکتبه المرتضویة.

۲۰. عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۷). حقوق جزای اختصاصی، جلد دوم، چاپ ۲۵، تهران، انتشارات دوران‌دیشان.

۲۱. غفاری چراتی، صالح و مسعود اکبری (۱۳۹۹). «بررسی جرم بغی در قانون مجازات اسلامی از منظر مبانی گفتمان سیاست جنایی و تحلیل جرم شناختی»، نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ش ۱۸.

۲۲. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۸). روش تفسیر قوانین کیفری، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.

۲۳. کوشا، جعفر (۱۳۹۰). بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

۲۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.

۲۵. محقق حلی، جعفر (۱۴۰۸ ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحلال، جلد چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۲۶. مصدق، محمد (۱۳۹۷). شرح قانون مجازات اسلامی حدود، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.

۲۷. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۱). اصول فقه، جلد اول، چاپ یازدهم، قم، انتشارات دارالفکر.

۲۸. میرخلیلی، سیداحمد، عباس کلانتری خلیل‌آباد و محمد نظری ندوشن (۱۳۹۵). «چالش‌های میان بغی

فقهی و قانونی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۵ و ۷۶.

۲۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹). حقوق جزای اختصاصی (۳ جرائم علیه مصالح عمومی کشور، جلد

دوم، چاپ چهل‌ویکم، تهران، نشر میزان.

۳۰. میرمحمدصادقی، حسین و علی ایزدیار (۱۳۹۹). «واکاوی وجوه اشتراک و افتراق اقدامات مجرمانه

مشترک و سردستگی گروه مجرمانه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸۹.

۳۱. میرمحمدصادقی، حسین و علی رحمتی (۱۳۹۴). «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در

جرائم علیه امنیت»، فصلنامه راهبرد، ش ۷۶.

۳۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ ق). جواهرالکلام، جلد ۲۱، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.

